

موانع و آفات درونی در تحقق تمدن نوین اسلامی

کلثوم رستمی

دانشجوی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد

Email: zahrasayedi12@gmail.com

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، آسیب شناسی درونی تحقق نوین اسلامی است. روش: روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و کاربردی است و جامعه تحقیق، متنی و شامل آیات و روایات، یافته‌های پژوهش‌های قبلی و کلام امام خمینی و رهبر انقلاب اسلامی است.

یافته‌ها: بررسی آسیب‌ها و موانع تحقق تمدن نوین اسلامی ضروری و انکار ناپذیر است. این آسیب‌ها به موانع درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند که قسم درونی آسیب‌ها، دارای مؤلفه‌های مشکلات موجود در سبک زندگی مسلمانان، پرهیز از سطحی‌گرایی و تحجر و سکولاریسم، پیروی از تمایلات نفسانی و گرایش به زندگی اشرافی، نفوذ افکار و اندیشه‌های انحرافی، نفوذ فرصت طلبان، فراموش شدن هدف، دور شدن از ولایت فقیه، فاصله گرفتن مسلمانان از تعالیم وحی، تقلید از تمدن غرب، دنیاپرستی و انحطاط اخلاقی و انحراف از اسلام راستین، عدم حضور اندیشمندان، روشن فکرها و روحانیت در صحنه می‌باشد. در میان این مؤلفه‌ها، سبک زندگی مسلمانان دارای بیشترین میزان فراوانی بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نتیجه‌گیری: در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، آسیب‌ها و موانع درونی و بیرونی زیادی وجود دارند که شناخت و بررسی آن‌ها ضروری است. با از بین بردن موانع درونی، راحت‌تر می‌توان بر موانع بیرونی غلبه کرد. جهان امروز ظرفیت مناسبی برای ظهور این تمدن دارد چون از یک سو اکثر مسلمانان به نظام سلطه و ظلم‌های آنان بی‌زاری می‌جویند و با بیداری اسلامی با هم متحد شدند و از سوی دیگر ناکارآمدی تمدن غرب آشکار شده است. اما باز هم باید تلاش کرد و به هدف تحقق تمدن نوین اسلامی اعتقاد و ایمان داشت و نیز باید توجه کرد که تمدن غرب یکدفعه و به راحتی از بین نمی‌رود.

کلید واژه‌ها: آسیب شناسی، موانع و آفات، تمدن نوین اسلامی، سبک زندگی، سطحی‌گرایی و تحجر، هدف، تمدن غرب، ولایت فقیه.

مقدمه

با خروج انسان‌ها از زندگی بدوی و ابتدایی و ورود به زندگی شهرنشینی و راه و رسم انسانیت و ترقی، تمدن به وجود آمد. تمدن، حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است. (ولایتی، ۱۳، ج ۱: ۳۲) تمدن دارای دو جنبه مادی و روحی است. مادی همان نیروی حسی و تمام آن چیزهایی است که از حس پیروی می‌کند و یا آن را مدد می‌رساند، اما جنبه روحی یا نیروی معنوی آن عبارت از هدف‌های شریف انسانی و اخلاقی و سعی در رسیدن به آن هاست. کوشش برای بهبود روابط انسانها و بالابردن شعور اجتماعی و افزایش آگاهی افراد از نظر سیاسی و عادت دادن انسانها به اینکه در راه فضیلت و مصلحت انسانها گام بردارند و در باره نیکی و زیبایی بیندیشند و آرمانهایی برای رستگاری آدمیان داشته باشند و دلهاشان به مهر همسوس بتپد و همچنین وضع آیین‌ها و قانونهایی برای تعلیم و تربیت صحیح مردم و پدیدآوردن بنیادهایی برای تغذیه روح انسانها و در راه نیکی به انسانها، همه و همه جنبه روحی تمدن و از نیروی معنوی آن است. (کسمایی، ۱۳۵۴: ۲۲) با دعوت پیامبر بزرگ اسلام در مکه و حکومت در مدینه، تمدن اسلامی شکل گرفت. تمدن اسلامی در واقع بیان‌کننده فرهنگ، تاریخ، سنن و باورهای دینی مسلمین می‌باشد و بدین جهت نقطه آغاز آن به پیدایی اسلام بر می‌گردد. تمدن اسلامی آمیخته‌ای از دنیا و آخرت و عالم ماده و معناست. در اسلام و فرهنگ قرآن و اهل بیت -علیهم السلام- دنیا و آخرت هر یک به تنهایی مذموم و مردود شمرده شده است. تاریخ اسلام در زمینه تمدن، سابقه پرافتخاری دارد. بعثت نبی اکرم، تمدنی را ایجاد کرد که اساس آن، اصول اخلاق اسلامی، معنویت ارزشها و اصالت‌ها بود. تمدن اسلامی نه یک مسیر کاملاً مستقیم را طی کرده و نه یک خط صعودی را، بلکه خط منحنی دندانه‌ای داشته یعنی بعضی اوقات در اوج و گاهی در اثر عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و حتی طبیعی دورانهایی با رکود مواجه بوده است ولی هیچ وقت نمرده است. امروزه با نهضت امام خمینی -رحمة الله علیه- ریشه‌های تمدن اسلامی استوار شده و با حکومت و دولت اسلامی می‌رود تا با شرایط موجود جهان و ظرفیت بالای آموزه‌های دینی اسلام و انگیزه مسلمانان، همان پیوندهای سده‌های اوج خود را در ملت‌ها ایجاد کند و تمدن نوین اسلامی را برپا نماید و دنیایی بسازد که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت آن راه برود، اما برای تحقق آن، بعضی آسیب‌ها و موانع وجود دارد که باید توجه شود علل و عوامل بیماری و زوال و نابودی این تمدن چیست و از این جهت آسیب‌شناسی گردد.

بنابراین، این مقاله با توجه به اقتضای زمانه و دغدغه مقام معظم رهبری، بر آن است تا آسیب‌ها و موانع موجود در تحقق تمدن نوین اسلامی را بررسی نماید. از این رو، ابتدا به بیان پیشینه تحقیق می‌پردازد؛ سپس روش پژوهش و بعد از آن، تعاریف مفهومی چون معنای لغوی و اصطلاحی تمدن، مفهوم تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی و مولفه‌های ایجاد آن را بیان می‌نماید؛ و در ادامه یافته‌های به دست آمده از شناسایی آسیب‌ها و موانع تحقق تمدن نوین اسلامی را ارائه خواهد داد.

تعاریف مفهومی

آسیب‌شناسی: شناسایی آن دسته از عوامل مهم و مؤثری که شکل‌گیری و تداوم آنها می‌تواند فرایند تحقق اهداف و

آرمانهای تمدن نوین اسلامی را متوقف و یا به صورت محسوس کند نماید.

موانع و آفات: همان آسیب‌هایی هستند که ممکن است هر پدیده اجتماعی را تهدید کند تا از رسیدن به اهداف و آرمانهای خود باز ماند. تمدن نوین اسلامی نیز نیازمند بازبینی واقع بینانه ی آفات و موانع رشد و کمال است. این آسیب‌ها و موانع دو نوعند: موانع و آفات بیرونی و موانع و آفات درونی. مشکلات موجود در سبک زندگی، تحجر و سطحی گرایی، فراموش شدن هدف، دور شدن از ولایت فقیه، تقلید از تمدن غرب و... از جمله موانع درونی هستند که باید شناسایی شده و ساماندهی شوند. تمدن: لفظ تمدن عربی است، اصل آن از "مدن" گرفته شده و به معنی ثابت بودن در مکان است و شخصی که مکان مخصوصی را برای اقامتگاه خود برگزیده است آن را متمدن گویند و در مقابل آن، هر فردی که اقامتگاه معینی از برای خودش اتخاذ ننموده است آنرا وحشی می‌گویند. بنابراین انسان متمدن به کسانی گویند که در یک مکان گرد آمده و به طور جمعی زندگی می‌کنند و محل تجمع آن‌ها را مدینه می‌نامند که به فارسی شهر نام دارد. (قرنی گلپایگانی، بی تا: ۷) و در اصطلاح کلیه مراتب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی یک قوم و یا ملت را بر گیرد که نمود عینی آن در رفتار و کردار و عملکرد آنان است. ویل دورانت هم اینگونه تعریف کرده است: نظامی است اجتماعی که آفرینش فرهنگی را تسریع می‌کند، نظا می‌است سیاسی که عرف، اخلاق و قانون نگاهدارنده ی آن است، نظامی است اقتصادی، که با مداومت تولید و مبادله برقرار می‌ماند و در ادامه مطرح می‌سازد که تمدن، رشته‌ای است پیچ در پیچ و زود گسل از روابط انسان‌ها که دشوار به دست می‌آید اما آسان تباه می‌شود. (معاونت سیاسی سپاه، ۱۳۷۷: ۹۴) بنابراین از میان تعاریفی که ارائه شده است روشن می‌شود که تمدن، مجموعه دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر است. یعنی از آن هنگام که آدمی به رشد و تعالی روی آورد هم به نیازهای حیاتی جسمانی و هم به احتیاجات معنوی خویش توجه کرد. از این رو کوشید تا به هر دو نیاز جدی پاسخ داده و آنها را اقتناع کند. حاصل این کوشش، دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بود که تمدن نام دارد. (کاشفی، ۱۳۸۴: ۳۵)

تمدن اسلامی: از رهاوردهای مهم اسلام در حیات بشری، پایه گذاری تمدن باشکوهی بود که از آن با عنوان تمدن اسلامی یاد می‌شود. تمدن اسلامی، تمدن یک ملت یا نژاد خاصی نیست بلکه مقصود، تمدن ملت‌های اسلامی است که عربها، ایرانیان، ترک‌ها و دیگران را شامل می‌شود که به وسیله دین اسلام با یکدیگر متحد شدند و اسلام با آموزه‌های ناب آسمانی، برنامه‌ای استوار و همسو با خواست‌های فطری بشر به ارمغان آورد و برای تعالی و پیشرفت فرد و جامعه، احکام و تعالیمی را فراهم نمود که زمینه پیدایش جامعه ی اسلامی مهیا شد. (سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۶۴).

تمدن نوین اسلامی: مراد از تمدن نوین اسلامی، پیشرفت همه جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بخش سخت افزاری از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و... و بخش نرم افزاری به عنوان حاکمیت سبک زندگی در همه مظاهر زندگی، بر اساس عقلانیت دینی معرفتی، عقلانیت اخلاقی حقوقی و عقلانیت ابزاری جهت شکوفا کردن مادیات و دنیای مسلمانان در جهت پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی است. از بررسی سخنان مقام معظم رهبری هم چنین بر می‌آید که منظور از تمدن، همان پیشرفت و ترقی است. ایشان می‌فرمایند: "پیشرفت همه جانبه را اگر به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم این

تمدن دارای دو بخش ابزاری و حقیقی خواهد بود که سبک زندگی، بخش حقیقی آن را تشکیل می‌دهد. ما در بخش ابزاری پیشرفت خوبی داشته ایم اما در بخش حقیقی خیر و باید آسیب شناسی کنیم." (خامنه ای،)

پیشینه پژوهش

ولایتی (۱۳۸۴) در "فرهنگ و تمدن اسلامی" بعد از بیان مفهوم تمدن و ارکان و عوامل پیدایش آن، برخی از عوامل رکود تمدن اسلامی را مطرح کرده است. کاشفی (۱۳۸۴) در "تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی" عوامل رکود تمدن را در دوی بخش درونی و بیرونی بررسی نموده است. همچنین ولایتی () در "پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران" عوامل پیشرفت و رکود تمدن را در دوره‌های مختلف ذکر کرده و توضیح داده است. معاونت سپاه (۱۳۷۷) در "تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی" برخی موانع و آفات را بیان نموده و همچنین این نهاد (۱۳۸۴) در "آرمان تمدن بزرگ اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری" بعد از ذکر شرایط دستیابی به تمدن اسلامی و تقسیم موانع به درونی و بیرونی، مهمترین مانع را سبک زندگی، تقلید غرب و دور شدن از مسیر حق می‌داند. آثار دیگری هم در این موضوع بودند که محتوای بیشتر آنها، تمدن منهای اسلام بود.

روش انجام پژوهش

تحقیق حاضر از نوع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی است. ابتدا به کتابهایی که در مورد معنا و مفهوم تمدن، ارکان تشکیل دهنده ی آن، عوامل پیشرفت و عوامل انحطاط آن صحبت کرده بودند مراجعه شد. سپس از نظر آیات قرآن بررسی شد که چه عواملی موجب رشد یا افول تمدن‌ها می‌شوند و تاریخچه تمدن اسلامی مورد مطالعه قرار گرفت و در آخر تمدن نوین اسلامی و آفات و موانع تحقق آن، از دیدگاه حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

تمدن

این یک حقیقت است که تمدن عمدتاً از زمانی پدید می‌آید که انسان مرحله زندگی بدوی را ترک گفته و شهر نشینی را آغاز می‌کند اما اینکه تمدن را صرفاً شهر نشینی معنا کنیم نادرست است. (کاشفی، ۱۳۸۴: ۳۳) همانطور که گفته شد اصل تمدن از مدن گرفته شده و به معنای ثابت بودن در مکان است و بر خلاف نظر برخی دانشمندان که گویند بشر طبعاً مدنی آفریده شده است، علل پیدایش تمدن را باید در همان احتیاجات و نیازمندیهای مادی و معنوی بشر دانست. چرا که تمدن بشر، بر اساس و بنیان معنوی است و انسان فقط به قوای فکری و اخلاقی می‌تواند رفع احتیاج کند و هر چه به قوای فکری و اخلاقی انسانی ربط دارد پایه و اساس تمدن است. (حجازی، ۱۳۱۸: ۴۷)

تمدن و فرهنگ

واژه دیگری که با تمدن همراه است فرهنگ می‌باشد که برخی گفته اند تمدن عام و فرهنگ خاص است و فرهنگ در جهت پیشرفت معنوی و تمدن در مسیر پیشرفت مادی است. اما آنچه صحیح است آن است که تمدن عبارت از اندوخته‌های مادی و معنوی انسان و هر دو ساحت مادی و معنوی، نمود فرهنگ می‌باشد، یعنی با دگر گونی ژرف در اجزای تشکیل دهنده یک فرهنگ (شناخت‌ها، باورها، گرایشها، ارزشها، کردارها و رفتارها)، نمود مادی و معنوی آن (تمدن) تغییر اساسی خواهد کرد. چنانکه در جزیره العرب با آمدن فرهنگ اسلام، تمدن اسلامی که تجلی مادی و معنوی آن فرهنگ به شمار می‌رفت بدان شکل و گستردگی ظاهر شد. (کاشفی، ۱۳۸۴: ۴۰) پس تمدن عینی و مادی است و فرهنگ ذهنی و معنوی، تمدن عمل است و فرهنگ اندیشه و پدید آورنده ی تمدن. (کسمایی، ۱۳۵۴: ۱۳) تمدن، اقامت کردن است و فرهنگ، پرورش نفس و متمدن کسی است که بتواند اجتماعی زندگی کند، تعاون داشته باشد، حکومت تشکیل دهد، امور اجتماعی خود را نهادینه و قانونمند کند و مسائلی از این دست. (ولایتی، ۱۳۸۴: ۳۳)

تمدن اسلامی

تمدن و تدین منافاتی با هم ندارند. تمدن یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفتهای زندگی و تدین یعنی جهت درست در زندگی داشتن، جهت عدل، انصاف، صفا، صداقت و رو به طرف خدا. (عقیدتی سیاسی دفاع، ۱۳۸۴: ۱۵) بنا بر این اول باید تمدن اسلامی را بشناسیم، تمدن بدون قید اسلامی وقتی که مطرح می‌شود همان طور که از ریشه اش بر می‌آید ممکن است شهرنشینی و شهروندی به ذهن تبادر کند و در مقابل آن توحش یا دور بودن از علم و لوازم آن وجود دارد. البته دانشمندان ولو مادی هم باشند تمدن را فقط معادل با پیشرفت تکنولوژی و وضعیت شهرنشینی نمی‌دانند. از دید آنها متمدن کسی است که نمی‌خواهد کسی مواظبش باشد تا تعدی نکند و وحشی کسی است که باید مراقبش باشند تا به حدود و حقوق دیگران تجاوز نکند. از دید آنها، کشور متجاوز، متمدن نیست. (معاونت سیاسی سپاه، ۱۳۷۷: ۸۵) پس از این دیدگاه، تمدن یعنی انسان به حدی برسد که خودش را کنترل کند و نخواهد مواظبش باشند بر اساس همین معنای تمدن، ما دو تعبیر ارتجاع و ترقی داریم، تعبیر قرآن در مورد ترقی و ارتجاع زیباست "اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ" این معنای ترقی و تمدن از دیدگاه اسلام و اسلامی است. یعنی اگر کسی بخواهد تمدن را از دیدگاه اسلام بشناسد باید ترقی را بشناسد. در اسلام ترقی یعنی دور شدن از ظلمات و وارد شدن در نور. مصادیق ظلم و نور را از عمل اهل بیت -علیهم السلام- می‌توان شناخت. کسی ترقی و ارتجاع را می‌فهمد که انسان را خوب شناخته باشد. مسأله مهم در عصر حاضر، خوب شناختن انسان است همان که امام فرمود: "بدبختی دشمنان ما این است که اسلام را نشناختند، انسان را نشناختند" (همان: ۸۸)

تمدن اسلامی در چند قرن اخیر به ویژه از قرن پنجم از یک نظام سیاسی برخوردار نبود و چشم انداز روشنی در پیش

نداشت. با نهضت امام خمینی (رحمة الله علیه) و نظام جمهوری اسلامی، وضعیت مناسب جهان امروز، ظرفیت بالای آموزه‌های دینی و انگیزه عمومی مسلمانان، تحقق تمدن نوین اسلامی امکان پذیر شده است و می‌رود تا همان پیوندهای سده‌های اوج خود را در ملت‌ها ایجاد کند. هر چند باید موانع و آفات آن شناسایی شود و البته قبل از شناسایی آفات و موانع، ابتدا مروری کوتاه بر عوامل اوجگیری تمدن‌ها انجام می‌شود چه بسا که عوامل انحراف و انحطاط و افول تمدن‌ها را می‌توان از همین مؤلفه‌ها دریافت.

عوامل اوجگیری تمدن‌ها

درسوره "روم"، تعدادی عنصر و فاکتور برای احیای تمدن‌ها معرفی شده است از جمله: قانون الهی، تفکر و اندیشه، نیروی نظامی و صنعتی، کشاورزی، توحید و وحدت، ایمان به قانون و عمل صالح، ستایش نکردن و عدم پرستش هیچ انسان و هیچ عنصری غیر از الله، کار و دنبال روزی رفتن، دادن حقوق مستضعفین، گرفتن مالیات از توانایان، هجرت، کسب دانش و علوم از طریق مشاهده و تجربه و آزمایش، عبادت و ارتباط با آسمان، رهبر که بهترینشان پیامبراند، تقوی، علم توأم با ایمان و شکیبایی در راه رسیدن به وعده الهی (رادمنش، ۱۳۶۱: ۱۳۳) که رهبر معظم انقلاب آن‌ها را به عنوان شرایط دستیابی به آرمانهای تمدن بزرگ اسلامی معرفی می‌کند که برخی عبارتند از: اراده، ایمان و فداکاری برای رسیدن به اهداف اسلامی، بهره‌مندی از جهان بینی و تفکر صحیح اسلام، خودسازی، رعایت تقوا، عمل به دستورات و فرامین قرآن کریم، تلاش، توکل، وحدت و همدلی و ترجیح مصالح اسلامی. (عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۴: ۱۹۶-۱۵۸)

بنابراین اگر تمدن اسلامی بخواهد اوج بگیرد و از رکود نجات یابد عوامل زیر باید دست به دست هم دهند تا این تمدن تحقق یابد:

۱. عامل انسانی تمدن؛ یعنی نخبگان و شخصیت‌های فکری، علمی و سیاسی که هیچ تمدنی بدون آنها رشد نکرده پس باید زمینه رشد چنین نخبگانی فراهم آید.
۲. حکومت و قدرت؛ در طول تاریخ، هیچ تمدنی بدون حکومت شکل نگرفته است.
۳. عوامل اقتصادی؛ در بالندگی و اوجگیری تمدن اسلامی نقش دارند. تمدن اسلامی احتیاج به کار، تلاش و کوشش مداوم و برنامه ریزی شده دارد.
۴. عامل روانی؛ تمدن اسلامی نیازمند یک خودباوری است کاری که امام امت در این ملت کرد که آن‌ها می‌توانند کشور را اداره کنند و می‌توانند بی‌افزینند خلاق باشند.
۵. عامل فرهنگی؛ ارائه و عرضه صحیح و درست دین و مفاهیم دینی از سوی متخصصان آن نه از سوی هر کس.
۶. عامل سیاسی؛ آمادگی جامعه برای پذیرش تحول و تکامل که اگر جامعه‌ای راضی و قانع به داشته‌های خود باشد و هر حرف نو را به صرف نو بودن محکوم نماید، در چنین جامعه‌ای، تمدن اسلامی اوج نخواهد گرفت. (معاونت سیاسی، ۱۳۷۷: ۹۸-۹۵)

پس امنیت و آرامش، همبستگی ملی، همکاری و تعاون، اخلاق، تحمل و برابری و صبوری، حفظ وحدت و یکپارچگی و عدم انفکاک و تجزیه طلبی، دین، رفاه نسبی و فشار اقتصادی و اجتماعی از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در روند تمدن‌سازی جوامع، ایفای نقش می‌کنند و تمدن اسلامی که با دعوت پیامبر و تشکیل حکومت اسلامی آغاز شد همه‌ی این مؤلفه‌ها را دارا بود. (ولایتی، ۱۳، ج ۱: ۳۳)

موانع و آفات تمدن اسلام

از بین عوامل او‌جگیری خود به خود موانع هم روشن می‌شود. به طور کلی اگر عوامل پیدایش تمدن دچار افول و زوال شود، تمدن نیز خواسته یا ناخواسته فرو خواهد ریخت. این موانع و آسیب‌ها به موانع و آفات بیرونی و درونی تقسیم می‌شوند که بعد از بیان مختصری از موانع بیرونی، به برشمردن آفات درونی پرداخته می‌شود.

موانع بیرونی

نظام سلطه و فشارهای خارجی توسط قدرتهای خارجی از موانع مهم سیاسی است که سعی می‌کنند از رشد تمدن اسلامی با بهانه‌های مختلف، با سیاست‌های مختلف، ایجاد درگیری در جوامع اسلامی، ایجاد درگیری‌های فرقه‌ای و مذهبی، ایجاد درگیری‌های قومی و قبیله‌ای و ایجاد درگیری‌های مرزی در میان کشورهای جهان اسلام جلوگیری کنند. (معاونت سیاسی، ۱۳۷۷: ۱۰۳) مثل یورش مغولان و حملات متعدد استعمار غرب و آنچه امروز در مناطق اسلامی می‌گذرد.

موانع درونی

این موانع را می‌توان در سه محور روانی و فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم بندی نمود.

۱. موانع روانی و فرهنگی

فرهنگ چون روحی است در کالبد مادی و معنوی تمدن، که اگر این روح سالم، زنده و شاداب بماند، تمام اندوخته‌های مادی و معنوی بشر (تمدن)، از خطر فساد و تباهی در امان است و اگر آسیب دید و به تدریج رو به انحطاط رفت، کالبد مادی و معنوی نیز به تباهی خواهد افتاد. اگر ارکان اصلی فرهنگ (نظام شناخت‌ها و باورها، نظام ارزشها و گرایش‌ها و نظام رفتارها و کردارها) از پایایی و پویایی، هدف‌داری، جهان‌گردی و نظام مندی فاصله بگیرد باید در انتظار زوال آن تمدن بود. (کاشفی: ۲۰۲) مقام معظم رهبری فرمودند که باید فرهنگ زندگی را به شکل مطلوب اسلام تحقق بخشید و بنمایه‌های فرهنگی که عبارت است از خردورزی، اخلاق و حقوق را جدی گرفت که اگر به آنها پرداخته نشود تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. باید تعصب کورکورانه، روحیه تقلید، غرور و عجب، فقدان روح نقادی و ترس از نوآوری اشاره کرد. اینها باعث می‌شوند که منحنی تمدن اسلامی نتواند اوج بگیرد. اینکه هر چیزی که در عالم اسلام عرضه شده، بهترین است یکی از موانع

است. این غرور بیجا باعث می‌شود که مسلمانان از قافله تمدن بشریت، عقب بمانند. البته به معنای آن نیست که هر چه در غرب می‌گذرد درست است، اما از چیزهای خوب آنها هم، نباید چشم پوشی کرد. (معاونت سیاسی، ۱۳۷۷: ۱۰۱)

برخی از موانع فرهنگی عبادتند از:

یک) انحراف از آموزه‌های اصیل اسلامی

تمدن اسلامی بر پایه فرهنگ اسلامی شکل گرفته است و فرهنگ اسلامی و امدار آموزه‌های اصیلی است که ریشه در آیات و سنت دارد. اگر این آموزه‌ها دگرگون شوند یعنی سرنوشت با جبری گری تلازم یابد و تقیه به پذیرش ظلم، انتظار به تحمل انواع بی عدالتیها تحریف گردد، اعتقاد به آخرت به محرومیت از زندگی دنیا، صبر به گوشه نشینی در برابر مسؤولیت‌ها و حوادث و پذیرفتن همه بدبختیها با آغوش باز و .. تفسیر شود و از سویی مسلمانان هم، حریم دستورات الهی را شکسته و انواع محرمات را مرتکب شوند و واجبات الهی را ترک گفته و برای اعمالشان توجیه قرآنی و روایی دست و پا کنند، تمدن نوین اسلامی تحقق نمی‌یابد. (کاشفی: ۲۰۷) تمام مصائبی که در طول تاریخ نصیب مسلمانان شد این بود که متأسفانه، به یک مرتبه ارزش‌های اسلامی و اصالت‌های اسلامی فراموششان شد. مگر مسلمان‌ها یک روزی پیشرو تمدن بشر نبودند. دنیای امروز تشنه اسلام ناب محمدی است پس می‌توان در پرتو ارزش‌های اسلامی، ان شاء الله تمدن اصیل اسلامی را به ارمغان آورد. (عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۴: ۱۲۵)

دو) دنیاگرایی، تحجر و دور شدن از اسلام راستین

پیامبر اکرم شیوه زندگی را به گونه‌ای تنظیم کرده بودند که از نوع اسراف، تبذیر و تجمل به دور باشد. اما با شروع خلافت امویان، دنیاگرایی و تجمل آغاز شد و با اسراف و تبذیر و تن آسایی و فساد اخلاقی تمدن اسلامی رو به افول و اضمحلال درونی گرایید.

تحجر که در حوزه اندیشه و تفکر رخ می‌دهد و علت عدم پذیرش حق و گرایش به کمال و سعادت واقعی و مانعی جدی در شکوفایی اندیشه دینی است، از دیگر عوامل رکود تمدن به شمار می‌رود. جریان‌هایی چون نظریه "حسبنا کتاب الله"، "حسبنا أحادیثنا و أخبارنا" که به مهجور ساختن عترت و انزوای سنت و سیره ی نبوی و مهجور ساختن قرآن کریم اهتمام ورزیدند و جریان‌هایی چون معطله و اخباریگری و ظاهر گرایی و باطن گرایی و تأویل گرایی، ضربات سنگینی را بر پیکر فرهنگ و تمدن اسلامی وارد کردند. (ولایتی، ۱۳۸۴: ۱۵۷) همانکه همفر جاسوس انگلیسی از حال علمای وقت نجف گفته است "عالمان شیعه را بسیار پرهیزکار یافتیم اما متلسفانه روح تجدد خواهی و هماهنگی با تحولات زمان در آن‌ها مشود نبود... به دانش‌های جدید چندان علاقه‌ای نداشتند... اندیشه در این مسائل را عبث می‌پنداشتند... من با خود گفتم چه تیره روزند اینان! جهان بیدار شده و اینان هنوز خوابند، باشد که به زودی سیل بنیانکنی آنان را از خواب نوشین بیدار کند" (مؤیدی، ۱۳۶۲: ۵۲ و ۵۱)

سه) تجمل گرایی آفت بزرگ تمدن اسلامی

حکیمان گفته اند فساد همیشه با تجمل است، تجمل غنی و فقیر را فاسد می‌کند یکی را از راه داشتن آن و دیگری را از

حسرت نداشتن آن. آموزه‌های دینی هم بر پرهیز مؤمنان از راحت طلبی و تجمل خواهی تاکید می‌کند و به کار و تلاش و ساده زیستی فرا می‌خواند. به دلیل انحراف در جریان رهبری فکری و سیاسی جامعه اسلامی و عدم هدایت درست آن، تمدن نوپا به مانند هر تمدن دیگر به موازات رشد و تکامل و توسعه، از درون گرفتار این عوارض گردید. تغییر خلافت به سلطنت و گونه برداری از آداب و ادب قیصران و کسرایان روم و ایران، نظام را به تشریفات و تجمل گرایی گرفتار کرد. (سیاسی، ۱۳۷۷: ۱۲۹). ابن خلدون تاریخ تجمل گرایی در جهان اسلام را چنین گزارش می‌کند: "دین در آغاز امر، مانع از غلو کردن در امر بناها بود و اسراف در این راه را بی آنکه جانب میانه روی مراعات شود روا نمی‌دانست؛ چنان که در کوفه به علت آنکه در گذشته در ساختمانها نی به کار برده بودند، حریقی روی داد و هنگامی که از عمر درباره به کار بستن سنگ در بناها کسب اجازه کردند، توصیه نمود که سنگ به کار برید، ولی هیچ یک از شما نباید بیش از سه اطاق بسازد و در بنیان نهادن بناهای بلند هم چشمی و زیاده روی مکنید و سنت را نگاه دارید تا دولت شما حفظ گردد، و به نمایندگانی که نزد او بودند و هم به مردم سفارش و گوشزد کرد تا هیچ بنیانی را برتر از اندازه بالا نبرند، گفتند: اندازه کدام است؟ گفت: آنچه شما را به اسراف نزدیک نکند و از میانه روی بیرون نبرد، و چون مردم از روزگاری که دین فرمانروایی می‌کرد دور شدند و به این گونه مقاصد بی پروا گرویدند، طبیعت کشور داری و پادشاهی و تجمل خواهی بر آنان غلبه یافت. عرب از ایرانیان یاری جست و صنایع و امور سیاسی را اقتباس کرد و آداب و رسوم شهرنشینی و توانگری و تجمل خواهی، آنها را به صنایع و ساختمانهای بلند و بناهای استوار کشانید." (کاشفی: ۲۱۱) از این رو جامعه اسلامی که پیامبر به وجود آورده بود پس از مدت کوتاهی به دلیل رویکرد رهبران و دولتمردان و نخبگان جامعه به تنعم و تجمل به ابتذال گرایید. امام خمینی در این باره فرمودند: "توجه به زرق و برق دنیا انسان را از آن احساس انسانی اش می‌برد یک حیوان است که در بین مردم راه می‌رود کوشش کنید که معنویت را تقویت کنید در بین این ملت." (سیاسی، ۱۳۷۷: ۱۳۸) بنابراین زیاده طلبی، دور شدن از معنویات، کاستن عواطف انسانی، نابود کردن ارزشهای اخلاقی، ضایع ساختن قدرت اخلاقی و ابتکار، مصرف گرایی جامعه، نابود کردن عزت نفس و کرامت انسانی آثار و نتایج تجمل گرایی است که آموزه‌های دینی مسلمانان را زان بر حذر داشته است. همین تجمل گرایی یکی از عوامل انحطاط و سقوط اندلس معرفی شده است. (ولایتی، ج ۱: ۱۷۳)

چهار) انحراف از مسیر حق و سلب توفیقات الهی

مقام معظم رهبری فرمودند که نتیجه انحراف از مسیر حق، سلب توفیقات الهی است و این یکی از موانع و آفاتی درونی است که در حوزه اخلاق و اندیشه رخ می‌دهد. (عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۴: ۲۰۱)

پنج) تأثیر پذیری از فرهنگ و باورهای غربی

تمدن واقعی برای مردم ما، تمدن ایرانی است تمدنی که متعلق به خود ماست، از استعدادهای ما جوشیده و با شرایط زندگی ما در هم آمیخته و چفت شده است. باید بذر سالم خودمان را بباشیم و مراقب باشیم تا سبز شود. دنبال تقلید این و آن نباشیم. دنبال سخن گفتن با زبان و لغت بیگانه و عاریه گرفتن از تجربه‌های دست چندم آنها نباشیم. نه اینکه از فراورده‌های علمی

دیگران بهره نبریم بلکه هر کسی که در دنیا کار خوبی کرده آن را انتخاب کنیم یعنی تبادل فرهنگی امری مثبت است برخلاف تهاجم فرهنگی که منفی است. (عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۴: ۲۰۸)

شش) سبک و فرهنگ زندگی

رهبر معظم انقلاب، سبک زندگی را به عنوان بخش حقیقی و اساسی تمدن سازی نوین اسلامی معرفی می نماید و از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه دعوت نموده که به آسیب شناسی این بخش مهم پردازند. خود نیز برخی را بیان کرده از جمله ضعیف بودن فرهنگ کارجمعی، رعایت نشدن حقوق متقابل در روابط اجتماعی، زیاد شدن طلاق در برخی مناطق، رعایت نشدن انضباط لازم در فرهنگ رانندگی، رواج داشتن دروغ در جامعه و... که مسائل مهمی هستند که مسلمانان جهان و منادیان خلق تمدن نوین اسلامی باید آن را مدنظر بگیرند. وجود چنین مشکلاتی در سبک زندگی، آسیب جدی در ساخت تمدن نوین اسلامی هستند و همه مسلمانان جهان باید به این مسأله توجه کنند. (مقاله وقف)

هفت) فراموش شدن هدف

به شهادت تاریخ، استفاده از عامل زمان در به فراموشی کشاندن هدف از دسیسه های دشمنان است تا اهداف فرعی را جایگزین اهداف اصلی کنند.

در باب موانع سیاسی استبداد داخلی از موانع بزرگ است. روزگاری تمدن اسلامی در جهان یک میلبردی اسلام اوج خواهد گرفت که این استبداد داخلی شکسته شود. وابستگی به بیگانه و فقدان استقلال سیاسی در بسیاری از کشورهای اسلامی وجود دارد. بنابراین تا استقلال نصیب کشورهای اسلامی نشود حرف اسلامی زدن با اوجگیری تمدن اسلامی به یک شعار شبیه تر است تا به یک واقعیت. (معاونت سیاسی، ۱۳۷۷: ۱۰۲)

۲. موانع سیاسی

یک) فرقه گرایی

پس از رحلت پیامبر -صلی الله علیه و آله و سلم- امت اسلام چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ عقیدتی دچار تفرقه گردید و به گروه های گوناگون تقسیم شد. (کاشفی: ۲۰۷) در حالیکه پیام اسلام وحدت است و برادری و امنیت. امام علی -علیه السلام- فرمودند: "این انسانی که در مقابل توست یا برادر دینی توست یا شریک خلقتی تو می باشد." (عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۴: ۲۱۷) دستهایی می خواهد بین این جامعه عظیم تفرقه ایجاد کند و سیاطین به اختلاف و جنگ دعوت می کنند. (همان: ۲۱۶)

دو) استبداد

در لغت یعنی شخص در کاری که شایسته مشورت است بر رأی خویش اکتفا نماید و از لحاظ سیاسی یعنی تصرف کردن یک نفر یا جمعی در حقوق ملتی بدون ترس از بازخواست. (ولایتی، ۱۳۸۴: ۱۵۰) و وقتی همه چیز مبتنی بر استبداد باشد آن جامعه شرایط و فضای رشد و ترقی را نخواهد داشت، حال علت استبداد هر چه باشد و در هر دوره و زمانی که پدیدار شده باشد. باید گفت که این پدیده یکی از عوامل عمده در انحطاط فرهنگ و تمدن است که فرهنگ و تمدن اسلامی نیز از این قاعده

مستثناء نبوده است. بررسی تاریخ تمدن اسلامی نشان می‌دهد که هر اندازه استبداد شاهان کمتر بوده به همان اندازه جامعه بستر مساعدتری برای رشد و توسعه فرهنگ و تمدن به دست می‌آورده است. رهبر معظم انقلاب هم، استبدادزدگی و غلبه روحیه استکباری بر افراد را از موانع و آفات می‌شمارد و از وظایف انسان می‌داند که هر جا قرار دارد حد قانونی خود را بشناسد و از آن تجاوز نکند. (عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۴: ۱۹۸)

سه) دوری از ولایت فقیه

حضرت امام خمینی با بازسازی اندیشه سیاسی اسلام و طرح اصل مترقی و اساسی ولایت فقیه برای همیشه حیات سیاسی اجتماعی ملت ایران را از لوٹ وجود استعمار و استبداد تطهیر فرمودند و ملت وفادار ایران با تبعیت از آن امام فرزانه، نظام شکوهمند جمهوری اسلامی را تثبیت کردند. (سیاسی: ۱۳۷۷: ۱۷) کشور اسلامی ایران که به وسیله ولی فقیه هدایت و رهبری می‌شود و بدینگونه ثابت شده است که مدیریت در چارچوب اندیشه ولایت فقیه، بهترین مدیریت در جامعه اسلامی و انسانی است و بدین طریق مسلمانان می‌توانند تمدن‌سازی کنند. ولایت فقیه، رکن و اساس برپایی خیمه نظام و حکومت اسلامی در عصر غیبت امام زمان می‌باشد. برای دشمنان اسلامی از آغاز تا کنون قطع این ستون و فروپاشی خیمه، هدف اصلی بوده است. حال اگر مردم از این اصل دوری کنند به فروپاشی تمدن نوین اسلامی کمک کرده‌اند. (مقاله وقف)

چهار) ظلم

از علل اساسی سقوط تمدن‌ها این است که هستی من مشروط بر این است که من آن را بخواهم. این معنای واقعی ظلم و استکبار است که آیات قرآن آن را عامل سقوط تمدن‌ها می‌داند [فکأین من قرية أهلكناها و هي ظالمة: (حج/۴۵)]

پنج) تقلید و تبعیت از حاکمیت نفاق در عرصه‌های سیاسی جهان

امروز بشر در رنج است از یک تبعیض بزرگ رنج می‌برد. این ظلم را همین قدرتمندها می‌کنند. جامعه‌ای قدرتمند است که مردمش راست بگویند و از مسؤلان راست بشنوند و این روشی درست است. (عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۴: ۲۲۰)

بعضی از کشورها مقلدند، از سازندگان تمدن مادی یک چیزی را گرفته‌اند، زندگی خودشان را بر اساس آن شکل داده‌اند اما تمدن ساز نیستند. بی‌ریشه و آسیب پذیرند. همه منافع آن تمدن را ندارند، ولی تمامی آسیب‌های تمدن مادی را دارند. مقام معظم رهبری هم یکی از حدود و ثغور ایجاد تمدن نوین اسلامی را مواجهه‌ی با تمدن غرب می‌داند به صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد. می‌فرمایند باید از تقلید پرهیز کرد، تقلید از کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملتها تحمیل کنند. فرهنگ غربی فقط هواپیما و وسائل سرعت و سهولت نیست؛ اینها ظواهر فرهنگ غربی است که تعیین کننده نیست. باطن فرهنگ غربی همان سبک زندگی مادی شهوت آلود گناه آلود هویت زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت است. شرط رسیدن به تمدن نوین اسلامی در درجه اول پرهیز از تقلید غربی هاست. (بیانات رهبر ۹۱/۷/۳) قوانین اسلام در بخش معاشرتی فرموده که از دشمنان تقلید نکنند چنانکه آیات (۱۶/حشر) و (۲۷ و ۲۶/ابراهیم) می‌خواهند مردم را متوجه سازند تا به وسیله پیروی کردن از دشمنان به بدبختی‌های دنیوی و اخروی دچار نشوند. این تقلید از بیگانه که یک رویه نکوهیده و عمل ناصحیحی

است بیشتر در خصوص اخلاقیات و روش زندگانی و معاشرت با مردم است. (همان: ۱۶۰)

۳. موانع اقتصادی

یک) عامل انسانی

انسان در نقش احیاگر، پذیرنده، حافظ و انتقال دهنده ی یک تمدن، نقش اساسی دارد. اگر این عامل به ادله گوناگون دچار رخوت، سستی، بی انگیزگی، فساد اخلاقی و روحی، دوری از تعالی، رشد، تفکر و خلاقیت شود نمی تواند احیاگر، حافظ و ناقل تمدن خویش باشد. (کاشفی: ۲۰۲) پس فقدان نیروی انسانی کارآمد و کافی از موانع اقتصادی تحقق تمدن نوین اسلامی است.

دو) فقر جوامع اسلامی

فقدان امکانات کافی و فقر جوامع اسلامی هم از جمله موانع اقتصادی است که باعث می شود تمدن اسلامی نتواند اوج

بگیرد. (معاونت سیاسی، ۱۳۷۷: ۱۰۳)

نتیجه گیری

تمدن نوین اسلامی از دو بخش ابزاری و حقیقی تشکیل شده است. در بخش ابزاری تمدن، پیشرفت صورت گرفته است اما آنچه مهم است بخش حقیقی تمدن است که چندان پیشرفتی در آن رخ نداده است.

هر تمدنی که ایجاد می شود خواسته یا ناخواسته با موانعی روبه رو می شود. در این میان برخی موانع نسبت به دیگری نقش مخرب تری دارند. در تحقق تمدن نوین اسلامی هم موانع درونی نقش اساسی تری دارند که اگر این موانع برطرف شوند راحت تر می توان با موانع بیرونی مقابله نمود. در بین موانع درونی که مطرح شد انحراف از آموزه های اصیل اسلامی، تقلید از تمدن غرب، مشکلات سبک زندگی و عامل انسانی نقش مهمتری دارند. انسان اگر از مسیر حق منحرف شود و دچار نسیان نفس گردد از همه تکان دهنده تر است حتی بدتر از خود فراموشی که هویت خود را فراموش می کند. در نسیان نفس، انسان از هویت و هدف وجود و باطن و دل و روح خود غفلت می کند و دچار فراموشی می شود یعنی تسلیم جریان مادی فاسدی می شود که او را با خود می برد تا به منجلاب و باتلاق برساند. در این بین تنها عاملی که باعث تقویت معنویت آدمی می شود اعتقاد به خدا و یقین به معاد و خصوصیات آن است پس با گرویدن به دین و اعتقاد به مبدأ و معاد است که می توان تمدن صحیح را به دست آورد. اکنون که فضای سیاسی و دینی نجات مجدد بشریت از قید و بندهای دنیایی و تجدید تمدن اسلامی فراهم شده است و این مهم با پرچمداری جمهوری اسلامی ایران قرین شده است، مهمترین رسالتی که بردوش ایرانیان مسلمان قرار دارد این است که با حرکت جهادی، تحولی اساسی در صحنه علمی ایجاد کنند و بسان مسلمین قرن دوم و سوم نخست با ایجاد نهضتی وسیع در زمینه بانک های غنی اطلاعاتی، آخرین دستاوردهای علوم موجود را گردآوری کرده و سپس با سازماندهی مجدد این علوم بر اساس جهان بینی اسلامی و تلقی اسلام از انسان و جهان، جهت علوم و تمدن را اصلاح کنند و در نهایت با طرح سؤالات جدید و نظریه پردازی های متناسب با جهان بینی اسلامی، مشعل علم و تمدنی که رو به سوی خدا داشته باشد و انسان را به کمال واقعی رهنمون سازد را به دست بگیرند همان چیزی که از منویات رهبر معظم انقلاب هم می باشد. بنابراین این باید دانست که تمدن

نوین اسلامی خود به خود راه به جایی نمی برد چراکه دشمنان همواره در تلاشند تا به نحوی این تمدن را از بین ببرند یا با ضعف رو به رو کنند پس وظیفه مسلمانان علی الخصوص ایرانیان مسلمان است که با رهبریت ولایت فقیه و متمسک شدن به معارف الهی و ولایی و خودسازی اخلاقی به سوی تحقق تمدن نوین اسلامی گام بردارند.

پیشنهادها

- توجه به نکات زیر تا این تمدن عظیم با افول مجدد مواجه نشود:
- تمسک و توجه به ولایت همانکه سفارش امام راحل هم بوده است،
- توجه همزمان بر محور افقی و عمودی ارتباطات انسان (ارتباط انسان با هموعان خود و طبیعت، ارتباط انسان با امامت و ولایت و خداوند)
- پرورش انسان دینی نه استفاده از آن به عنوان ابزاری برای توسعه مادی.
- توجه به کتاب‌های درسی و گنج‌نیدن آنچه لازم است از معارف اسلامی و معارف مدنی و تمدن ساز و انسان ساز و معارفی که سبب سربلندی یک ملت می‌شود در این کتابها.
- آموزش سبک زندگی اسلامی و تمدن سلز لز طریق رسانه ها
- حضور بیشتر علما و روشنفکران در صحنه اجتماع

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. جرجی، زیدان (۱۳۳۳). تاریخ تمدن اسلام. ترجمه علی جواهر کلام. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. جعفریان، رسول (۱۳۷۹). مقالات تاریخی. قم: انتشارات دلیل، دفتر هشتم.
۴. حجازی، محمداقرا (۱۳۱۸). آیین راستی. بی جا: چاپخانه و کتابخانه مرکزی.
۵. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۱). "قرآن کریم و تمدن اسلامی: برنامه‌ها و معیارهای توسعه و پیشرفت تمدن سازی نوین اسلامی". فصلنامه قرآنی کوثر، ش ۴۴.
۶. رادمش، عزت الله (۱۳۶۱). قرآن، جامعه شناسی، اتوپیا-قرآن و عقاید اجتماعی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ج. اول.
۷. زمانی، مصطفی (۱۳۴۸). اسلام و تمدن جدید. قم: کتابخانه صدر، ج. اول.
۸. سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (۱۳۸۴). آرمان تمدن بزرگ اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری. تهران: انتشارات دفاع، ج. اول.
۹. سپهری، محمد (۱۳۸۸). تمدن اسلامی در عصر امویان. تهران: چاپ و نشر بین الملل.
۱۰. قربانی، زین العابدین (۱۳۶۱). علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. قرنی گلپایگانی، حسین (بی تا). تمدن چیست و متمدن کیست. قم: انتشارات کتابفروشی صحفی، ج. اول.
۱۲. کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۴). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.



۱۳. کسمایی، علی اکبر (۱۳۵۴). قرن دیوانه، بحران تمدن و فرهنگ و نادانیهای دوران دانش. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت، ج. دوم.
۱۴. معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی دریایی سپاه (۱۳۷۷). تمدن اسلامی در اندیشه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج. اول.
۱۵. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۶). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. تهران: مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه، ج. اول و دوم.
۱۶. ----- (۱۳۸۴). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف، ج. سوم.
۱۷. هامفری (۱۳۶۲). خاطرات همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی. ترجمه محسن مؤیدی. تهران: امیر کبیر، ج. ۲۶